

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

شماره ۵۷

فروردین ۱۳۹۰ آوریل ۲۰۱۱

toufan@toufan.org www.toufan.org

شادباش نوروزی حزب کار ایران (توفان) ص ۲



تجاوز امپریالیستی به لیبی را قویاً محکوم می کنیم ص. ۳

ده دلیل برای مخالفت با مداخله در لیبی ص. ۴



مصاحبه با حما همای، دبیر اول و سخنگوی حزب کمونیست کارگران تونس

انقلاب ادامه دارد ص. ۵

چند اعلامیه

در محکومیت جنایت ناتو در افغانستان ص. ۸

جنایت جمهوری اسلامی در زندان قزل حصار ص. ۷

شعری از یک رفیق مبارز افغانی ص. ۸

چند کلامی پیرامون آزادی و دموکراسی ص. ۹

تقویم تاریخ: ۱۴۰ سال از کمون پاریس گذشت ص. ۱۱



چند خبر کارگری:

پیام تبریک علی نجاتی برای سال جدید ص. ۱۳

پیام تبریک سندیکای کارگران شرکت واحد ص. ۱۳

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز ص. ۱۴

شادباش نوروزی حزب کار ایران (توفان)

نوروز مبارک باد!



باردیگر نوروز این همیشه بهار و مادر سنن مترقی مردم ایران فرا می رسد. امسال نیز رژیم ضد نوروز و ضد بهار جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های عقب مانده و ارتجاعی خود هدیه‌ای جز فقر و محرومیت برای اکثریت مردم زحمتکش ایران به ارمغان نیاورده است. مردمی که امیدشان در تلاش برای برگزاری جشن نوروز و نو نواری کردن خانه و خانواده، به برکت شوم جمهوری اسلامی آب و رنگ باخته و نوروزشان همانند هر روزشان شده است. با اجرای طرح سرمایه‌دارانه هدفمند کردن پارانه‌ها باز هم بر فقر و گرانی افزوده شد و نرخ بیکاری و تورم طبق مطبوعات رسمی جمهوری اسلامی رو به فزونی است و هیچ امیدی به بهبودی وضعیت معیشتی مردم زحمتکش نمی رود. شورایی عالی کار که در عمل نماینده دولت و کارفرمایان است حداقل دستمزد کارگران در سال جدید را ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان تعیین نموده است، دستمزدی کمتر از ۲۰ درصد خط فقر مطلق. با تصویب ۹، درصدی افزایش دستمزد، سفره کارگران در سال ۹۰، تهی تر از سال جاریست.

امسال درشرایطی به استقبال نوروز می رویم که عدم امنیت و خفقان سیاسی و بگیر و ببندها و اعدام‌های وحشیانه هم چنان ادامه دارد و رژیم مافیائی جمهوری اسلامی حتی به یاران وفادار "امام" و اصلاح طلبان حامی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز رحم نمی کند و پاسخی جز سرنیزه و زندان و ترور برای حل بحران موجود ندارد. اما از سوننی مبارزات توده‌های جان به لب رسیده نیز در اشکال متنوع ادامه دارد و مردم مقاوم و تسلیم ناپذیر ما در ۲۵ بهمن، امسال در همبستگی با انقلاب خلق‌های عرب که ارکان نظام‌های پوسیده را به لرزه در آورد بار دیگر به میدان آمد و با فریاد "مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بر دیکتاتور، ... نشان داد که برای آزادی و کسب حقوق حقه خود قهرمانانه می رزمند و حتی از جان شیرینش دریغ نخواهد کرد. جنبش مردم ایران موجی نیست که آرام گیرد. همین میل و اشتیاق به آزادی و روحیه مقاومت و ایستادگی مردم به ویژه جوانان دلیر ایران است که حاکمیت جمهوری اسلامی را به وحشت و سراسیمگی واداشت و وی را به شدت از آینده خود بیمناک کرده است.

اکنون یک سال دیگر بر تجربه مبارزات کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و روشنفکران افزوده شده است، مبارزاتی که در حال گسترش است و روز به روز متراکم تر و پُربارتر می گردد. سالی که در برابر ماست، نوید بخش اعتلای جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران است. رژیم نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی با تمام ددمنشی‌های خود قادر به تیرباران همه ملت ایران نخواهد بود و اگر چه امسال هم نوروز خلق ما را به سوگ عزیزان آلود، به جلوگیری از فرارسیدن نوروز ملت ایران دست نخواهد یافت.

حزب کار ایران (توفان) در آستانه نوروز ۱۳۹۰، فرصت را مغتنم شمرده به همه کارگران، به هم، زحمتکشان، به همه فرهنگیان، به همه دانشجویان، به همه خلق‌های ایران، به همه زنان مبارز ایران، به همه خانواده‌های جانباختگان راه آزادی، به زندانیان سیاسی که پرچم مبارزه را در بیغوله‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم بر افراشته‌اند و به همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستمدیدگان می رزمند شاد باش می گوید و برایشان در پیکار علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پیروزی آرزومند است. با امید و نشاط به استقبال نوروز رویم به امید فراز آمدن نوروز مردم ایران.

نوروزتان پیروز!

سرنگون باد رژیم فاشیستی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۸۹

www.toufan.org

toufan@toufan.org

تجاوز امپریالیستی به لیبی را قویاً محکوم می کنیم

همان طور که حزب ما در بیانیه یازده اسفند ماه خود حوادث لیبی و توطئه امپریالیست‌ها علیه خلق لیبی را پیش بینی کرده بود، سرانجام شورای امنیت سازمان ملل پنجشنبه (۱۷ مارس ۲۶ اسفند) با طرح تحریم هوایی لیبی، اجازه تجاوز و بمباران هوایی به این کشور در قالب فریبکارانه جلوگیری از کشتار مردم توسط جنگنده‌های معمر قذافی را صادر کرد. مصوبه شورای امنیت که توسط لبنان، فرانسه، بریتانیا و آمریکا به شورای امنیت ارائه شده بود، با ۱۰ رأی مثبت به تصویب رسید در حالی که روسیه و چین از حق وتو در مورد آن استفاده نکرده و در کنار آلمان، برزیل و هند به این طرح رأی ممتنع دادند. در پی این مصوبه شورای امنیت، امروز جنگنده‌های فرانسه بر فراز لیبی به پرواز در آمدند و رسماً حریم هوایی لیبی را نقض و مناطقی در شهر بنغازی را بمباران کردند. آمریکا، کانادا، دانمارک، بریتانیا و چند دولت دست نشانده عربی نیز اعلام کرده‌اند که در عملیات "دفاع از مردم لیبی" در برابر نیروهای سرهنگ قذافی شرکت می کنند.

امپریالیست‌ها به بمباران هواپیماهای لیبی برای سرکوب مردم اشاره می کنند و می خواهند به بهانه دلسوزی برای مردم، فضای لیبی را برای پرواز هواپیماهای قذافی به گفته آنها ببندند. معنی این امر از دیدگاه نظامی این است که هواپیماهای آواکس بر فراز خاک لیبی به پرواز در آیند. ماهواره‌های جنگی به کار افتند و کشتی‌های جنگی با آتشبارهای ضد هوایی و موشک در بنادر لیبی پهلو بگیرند و هواپیماهای لیبی را مورد هدف قرار دهند. این به معنی شرکت مستقیم ناتو در جنگ است و بر ضد کشوری به کار می رود که به هیچ کشور عضو ناتو تجاوزی نکرده و خطری از جانب وی برای تجاوز به اعضاء ناتو وجود ندارد. این امر طبیعتاً یک تجاوز و جنگ است که زمینه را برای همه تجاوزات بعدی در سراسر جهان آماده می کند. این جنگ سرمشی برای تجاوز به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی همه کشورهای غیر متعهد جهان است. این جنگ برپا داشتن جنگ جدیدی مانند جنگ در افغانستان و ایجاد عراق دیگری در جهان است. این جنگ همان جنگی است که برای ایران تدارک دیده بودند و با شکست روبرو شد و حال در شرایط جدید جهانی می خواهند آن را باب میل مردم کرده و افکار عمومی را فریب دهند. ریاکاری آنها در این است که صدها هزار نفر را می کشند، کشوری را اشغال می کنند و منابع طبیعی‌اش را غارت می نمایند و به کشتار قومی دست می زنند و آن را تحت نام حمایت از حقوق بشر انجام می دهند.

امپریالیست‌ها می خواهند نفت لیبی را در دست داشته باشند که بتواند "آزادانه" به سمت اروپا با بهای نازل و بدون کنترل جریان پیدا کند. آنها به یک لیبی مستقل و انقلابی نیازی ندارند. آنها نمی خواهند که لیبی به پایگاهی برای نیروهای انقلابی بدل شود و در شمال آفریقا به مانع بزرگ تأمین منافع امپریالیست‌ها بدل گردد. امپریالیست‌ها می خواهند با اشغال لیبی رژیم موافق خود را بر سر کار آورند و مانع شوند از درون جنبش انقلابی مردم یک رژیم مردمی بر سر کار آید. آنها با این تجاوز و قیحانه می خواهند شرایط ذهنی تجاوز به دیگر کشورهای عربی که در تب انقلاب می سوزند را فراهم آورند و کنترل اوضاع را در دست گیرند.

حزب ما تجاوز نظامی به خاک لیبی توسط امپریالیست‌ها را قویاً محکوم می کند و آن را خنجری بر پشت مبارزات استقلال طلبانه و دموکراتیک مردم لیبی می داند. مبارزه‌ای که در لیبی در جریان است یک امر داخلی است و این مردم لیبی هستند که باید به عمر سلطنت دربار قذافی پایان دهند. سناریوی بمباران لیبی ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیست‌ها و در رأس آن امپریالیست جنایتکار آمریکا علیه خلق‌های افغانستان، عراق، فلسطین و بحرین است... و هدفی جز استقرار رژیم‌های سرسپرده و نوکرسفت و غارت منابع ملی این ممالک ندارند.

بر تمامی نیروهای ترقی خواه و ضد تجاوز و اشغال است که به طور روشن و شفاف تجاوز نظامی به لیبی را محکوم کنند. این تجاوز جز کشتار و ویرانی و سرانجام استقرار یک رژیم دست نشانده و مرتجع حاصل دیگری ندارد، همان طور که در عراق و افغانستان نداشته است.

هر نیروی دموکرات و مدافع حقوق بشر باید از مبارزه مردم لیبی حمایت کند و نه از اشغال لیبی.

دست امپریالیست‌ها از لیبی کوتاه باد!

تجاوز نظامی به لیبی را قویاً محکوم می کنیم

پیروز باد نبرد خلق‌های عرب علیه ارتجاع، صهیونیسم و امپریالیسم و عمال داخلی‌شان!

حزب کار ایران (توفان)

۲۸ اسفند ماه ۱۳۸۹

www.toufan.org

toufan@toufan.org

ده دلیل برای مخالفت با مداخله در لیبی



- اندرو موری، مسؤل «ائتلاف جنگ را متوقف کنید»
 کارزار سیاسی برای شروع یک مداخله نظامی در لیبی - ظاهراً به دلایل بشردوستانه اما آشکارا با داشتن اهداف سیاسی - در میان قدرت‌های ناتو نیرو می‌گیرد.
 جامعه عرب - که عمدتاً مجموعه‌ای از مستبدین ترسیده و درمانده برای درگیر کردن نظامی هر چه بیش‌تر ایالات متحده در منطقه است - اکنون یک «منطقه پرواز-ممنوع» را ترغیب می‌کند. آن آغاز حرکت در یک سرایشب لغزنده خواهد بود.
 ده دلیل برای مقاومت در برابر آژیر دعوت به مداخله به شرح زیر است:
- ۱ - مداخله و تجاوز به حق حاکمیت لیبی خواهد بود. این تنها یک نکته حقوقی نیست، اما اگر نباید به قدرت‌های بزرگ در جهان چراغ سبز داد تا بلااراده دست به جنایت بزنند، به رعایت حقوق بین‌الملل نباید کم بها داد. به محض این که ناتو شروع به مداخله کند، مردم لیبی از دست دادن کنترل بر کشور و آینده خود را شروع خواهند کرد.
 - ۲ - مداخله، جنگ داخلی را متوقف نکرده، بلکه فقط آن را طولانی می‌کند. «مناطق پرواز - ممنوع» و عرضه تسلیحات قادر نخواهد شد درگیری را متوقف کند و به خونریزی بیش‌تر، نه کم‌تر، خواهد انجامید.
 - ۳ - مداخله به تشدید درگیری خواهد انجامید. زیرا اقداماتی که امروز پیشنهاد می‌شوند نمی‌توانند به جنگ داخلی پایان دهند، تقاضای بعدی برای حضور مسلحانه تمام‌عیار در لیبی خواهد بود - مانند عراق - با همان مقاومت مستمر. آن راه به دهه‌ها درگیری می‌انجامد.
 - ۴ - این اسپانیای سال ۱۹۳۶ نیست، که عدم مداخله به معنی کمک به طرف فاشیست باشد، که اگر در نزاع پیروز شود، تنها موجب تشویق تحریک‌کنندگان یک جنگ وسیع‌تر بشود - آن‌طور که شد. اینجا، قدرت‌هایی که برای یک اقدام نظامی هیاهو می‌کنند همان‌هایی هستند که هم‌اکنون در یک جنگ وسیع‌تر در خاورمیانه درگیرند و حتی در حالی که متحدین مستبد خود را از دست می‌دهند، به دنبال حفظ قدرت خود هستند. احترام به حق حاکمیت لیبی به امر صلح کمک می‌کند.
 - ۵ - این بیش‌تر شبیه عراق در دهه ۱۹۹۰، بعد از جنگ اول خلیج است. آن موقع، ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه مناطق پرواز - ممنوعی را تحمیل کردند که به صلح نیانجامید - دو حزب در کردستان عراق تحت‌الحمایه برخوردار از حمایت منطقه پرواز - ممنوع درگیر یک جنگ داخلی سخت شدند - و این، زمینه را برای تجاوز سال ۲۰۰۳ مهیا کرد. مداخله ممکن است عملاً لیبی را تجزیه نموده و درگیری را برای دهه‌ها نهادینه کند.
 - ۶ - یا ممکن است شبیه مداخله در کوزوو و بوسنی باشد. مداخله ناتو به صلح، آشتی ملی یا آزادی واقعی در بالکان نیانجامیده، بلکه اشغال بدون پایان خارجی را موجب شده است.
 - ۷ - بله، این برای نفت است. چرا آن‌ها از مداخله در لیبی صحبت می‌کنند، به عنوان مثال، در کنگو؟ از بریتیش پترولیوم بپرسید.
 - ۸ - این برای فشار بر انقلاب مصر - بزرگ‌ترین تهدید نسبت به منافع امپریالیستی در منطقه - است. یک سربازخانه ناتو در همسایگی، پایگاهی حداقل برای فشار، و در بدترین حالت - اگر گل‌های آزادی مصری‌ها به نقطه‌ای برسد که منافع غرب در منطقه را چالش کند - برای مداخله خواهد بود.
 - ۹ - ریاکاری، دست‌ها را رو می‌کند. موقعی که مردم بحرین علیه سلطنت مورد حمایت ایالات متحده به پا خاستند و در خیابان‌ها درو شدند، هیچ حرفی از اقدام نظامی نبود، در حالی که ناوگان ششم ایالات متحده در آنجا مستقر است. به جای آن، ایالات متحده از مداخله سعودی علیه انقلاب [بحرین] پشتیبانی می‌کند.
 - همان‌طور که لیندزی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه ارشد ایالات متحده ماه گذشته گفت: «رژیم‌هایی هست که ما می‌خواهیم تغییر دهیم، رژیم‌هایی هست که نمی‌خواهیم [تغییر دهیم]».
 - ۱۰ - تجاوز نظامی - استفاده از نام درست آن - به لیبی - برای احیای سیاست آلوده به خون «مداخله‌گری لیبی‌الی» به کار گرفته خواهد شد. نباید اجازه داد آن هیولا از قبرهای عراق و افغانستان بیرون آید.

<http://www.morningstaronline.co.uk/index.php/news/content/view/full/102253>

بر گفته از تارنمای "جبهه ضد تجاوز نظامی و ضد تحریم اقتصادی علیه ایران" <http://jenhezdetajavoz.blogspot.com/>

منبع: مورنینگ استار ۱۵ مارس ۲۰۱۱ تارنگاشت عدالت

بمباران لیبی را متوقف کنید!

مصاحبه با حما همامی، دبیر اول و سخنگوی حزب کمونیست کارگران تونس

انقلاب ادامه دارد

حما همامی یکی از چهره‌های برجسته انقلاب تونس است. بسیاری از خبرنگاران و احزاب و جریان‌های سازمان‌های چپ مشتاق مصاحبه با وی هستند. مصاحبه زیر قبل از تظاهرات صد هزار نفری در تونس جمعه مورخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ علیه دولت غنوشی توسط حزب کار بلژیک صورت گرفت و در نشریه همبستگی ارگان سیاسی این حزب به زبان فرانسوی منتشر گردید. یکی از خواسته‌های مهم تظاهر کنندگان عزل غنوشی بود که دو روز بعد در یکشنبه ۲۷ فوریه متحقق شد و دو وزیر دیگر از بازماندگان دولت بن علی روز دوشنبه ۲۸ فوریه مجبور به استعفا شدند. حما همامی در این مصاحبه به نکات مهم و ظریفی از انقلاب تونس اشاره دارد که در مطبوعات و رسانه‌های غرب کمتر دیده می‌شود. حما همامی با اشاره به این که «ما بر دیکتاتور پیروز شدیم اما نظام دیکتاتوری هنوز پابرجاست» به سؤالات حزب کار بلژیک پاسخ می‌گوید:

س - تحت تأثیر انقلابات و تظاهرات گسترده در دنیای عرب، نوعی نسیم خوش بینی در سراسر جهان وزیده است. این جنبش، که در کشور شما پا گرفت، معرف چه چیزی است؟

ج - پای یک انقلاب بزرگ، چه در سطح کشورهای عرب و یا در سایر کشور های منطقه ما در میان است. یاد آوری می‌کنم که خلق تونس این انقلاب را با تکیه بر نیروهای خودی انجام داد. در بسیاری از کشورهای عرب، ادعا می‌شد که ما، بدون حمایت فرانسه، آمریکا و یا سایر قدرت‌های خارجی، نمی‌توانیم بر علیه دیکتاتور هائی مثل بن علی انقلاب کنیم. خلق ما نشان داد که با تکیه بر نیروهای خودی، می‌توان دیکتاتور هائی مثل بن علی را، با آن دستگاه امنیتی عظیمی که داشت، کنار زد. بعلاوه، خلق تونس این انقلاب را در اتحادی نسبتاً کامل انجام داد. طی بیش از یک ماه، ما حتی یک شعار مذهبی، که می‌توانست خلق ما را تجزیه کند، نشنیدیم. خلق تونس بر محور آرمان‌های دموکراتیک، اقتصادی و اجتماعی خود متحد شد.

س - برای شما این انقلاب تمام نشده است. چرا؟

ج - این انقلاب هنوز ادامه دارد. چون هنوز اهداف دموکراتیک و اجتماعی خود را متحقق نکرده است. دیکتاتور را شکست داد، اما هنوز بر دیکتاتوری غلبه نکرده است. پلیس سیاسی، تکیه گاه اصلی دیکتاتوری، هنوز پا بر جاست و از قضا خیلی هم فعال است. مجلس فرمایشی هنوز برقرار است. مجلسی عروسکی، که با فرمان بن علی بر پا شده بود. رئیس موقت آن یک عضو حزب بن علی است، بسیار نزدیک به او. دولت هم چنان توسط نخست وزیر بن علی هدایت می‌شود، محمد غنوشی، و وزیرایش از همین قماشند. مسئولان بالا، فاسد، هم چنان در پست‌های خود نشسته‌اند. قانون اساسی مطلوب دیکتاتوری هنوز تغییر نکرده است. دیکتاتوری برای دوام خود قوانین ضد دموکراتیک و ضد اجتماعی زیادی گذراند، که هم چنان جاریند. در دست دولت کنونی، تمام این قوانین و نهادها می‌توانند دوباره علیه خلق به کار گرفته شوند. پس رژیم بن علی هنوز باقی است. این است که جنبش توده‌ای ادامه دارد، با وجود وعده‌های دولت کنونی، انقلاب انحلال دولت موجود را طلب می‌کند. دولت‌های «ترمیم شده»! مثل همین دولت کنونی را مردود می‌داند. حزب سابق حکومتی (اتحاد مجاز دموکراتیک، که تا ۱۸ ژانویه گذشته هم چنان عضو بین‌الملل سوسیالیستی بود) باید حقیقتاً منحل شود. خیر، ما نمی‌توانیم بگوئیم که انقلاب تمام شده. چون هنوز بر نیروهای ارتجاعی غلبه نکرده است. آنها هنوز حاضر و در کارند. گرچه ضعیف شده‌اند. ما باید این انقلاب را، با قاطعیت زیاد، ادامه دهیم، اما با تاکتیک صحیح برای پرهیز از تجزیه خلق، که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روی این انقلاب بگذارد. سخن بر سر انقلابی است که خلق‌های جهان امید زیادی به آن دارند.

س - بعضی‌ها انقلاب تونس را یک رویداد خود جوش قلمداد می‌کنند ...

ج - خیر، این درست نیست. این را می‌گویند تا نقش نیروهای انقلابی و مترقی در این سال‌های اخیر را از اعتبار انداخته و آن را نفی کنند. می‌خواهند بگویند که باید به دنبال راهی برای پیوند این انقلاب با حزب سابق حکومتی پیدا کرد، که دولتمردان سنتی ناگزیر باید رهبری جنبش را به دست گیرند... این جنبش در سطح ملی سازمان داده نشده بود. فاقد یک رهبری واحد بود، یک برنامه مشترک نداشت. ولی این به معنای عدم آگاهی، فقدان سازماندهی نیست.

آگاهی وجود دارد، چون فعالین این جنبش غالباً رزمندگان چپ، مترقی، سندیکالیست‌ها، مبارزان حقوق بشرند. این جوانان دیپلمه و بیکارند که به جنبش دانشجویی تعلق دارند. حزب ما، نیروهای ما نیز حاضرند. برعکس، اسلامی‌ها حقیقتاً شرکت ندارند. بیخود نیست که در این انقلاب، هیچ شعار مذهبی داده نشد. به لحاظ سیاسی، اسلامی‌ها فقط از جنبش حمایت می‌کنند. به لحاظ تشکیلاتی، رزمندگان توانستند که خیلی سریع خود را در کمیته‌ها سازمان دهند. در همان نخستین روزهای انقلاب، در بعضی روستاها، فی‌الواقع یک خلاء حکومتی وجود داشت. مشترکاً، به اتفاق دموکرات‌ها، ما از مردم دعوت کردیم که خود را سازماندهی کنند.

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا این بزرگ‌ترین تروریست دولتی جهان!
خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای اشغالگر از عراق و افغانستان!**

آنها در روستاها و در مناطق، گاهی در محافل موسوم به «محافل توده‌ای» یا «مجامع حفظ انقلاب»، گاهی در کمیته‌ها یا در اتحادیه‌ها... این کار را انجام دادند. اینجا در شهر تونس، مردم خود را در کمیته‌های توده‌ای یا کمیته‌های محلی سازماندهی کردند. آنها رهبران را از میان رزمندگانی که در جریان انقلاب بیشتر فعال بودند انتخاب کردند. ساختار آن هنوز ضعیف و جنبی است. هنوز یک مرکزیت واقعی در سطح ملی وجود ندارد. اما، رفته رفته این کمیته‌ها به کمیته‌هایی بدل شدند که درباره وضع موجود و آینده بحث می‌کنند، و یا درباره این که مردم چه کارهایی می‌توانند انجام دهند.

س - جبهه ۱۴ ژانویه چند هفته پیش تأسیس شد. اینها کیستند؟ برنامه یا چه مطالباتی دارند؟

ج - به لحاظ سیاسی، چپ موفق شد که نیروهای خود را در جبهه‌ای بنام «جبهه ۱۴ ژانویه» جمع و جور کند - روز فرار بن علی چپ دارای یک وجهه انکار ناپذیر در کشور ماست. چه به لحاظ سیاسی و سندیکائی، هم در سطح جوانان و جنبش زنان و هم در سطح حقوق بشر و جنبش فرهنگی. این جبهه بر محور شعارها و مطالبات مردم تأسیس شد. طالب انحلال دولت، انحلال حزب حکومتی است. این جبهه خواهان تشکیل یک دولت موقت است، با عنصری که هیچ با رژیم بن علی، با حزبش، با دیکتاتوری رابطه‌ای نداشته باشند. وظیفه اصلی این دولت موقت آماده کردن انتخابات برای تشکیل مجلس مؤسسان است. مجلسی که باید قانون اساسی را تدوین کند، نهادها، قوانین بنیادی یک جمهوری توده‌ای و دموکراتیک را به وجود آورد، که خواست خلق تونس است. ما بر محور یک پلاتفرم اقتصادی و اجتماعی متحد شده‌ایم، چون معتقدیم که دیکتاتوری یک مبنای اقتصادی و اجتماعی هم داشت، یک بورژوازی کمپرادور (که در پیوند با کمپانی‌های فراملیتی خارجی به مال و ثروت رسید)، تونس را با همدستی با شرکت‌ها و بنگاه‌های فرانسوی، ایتالیائی، اسپانیائی، پرتغالی و بلژیکی غارت کرد. ما نه تنها خواهان یک دموکراسی سیاسی، بلکه یک دموکراسی اجتماعی نیز هستیم، چون بر این باوریم که انقلاب جاری یک انقلاب دموکراتیک و ملی، یک انقلاب توده‌ای است که باید زمینه را برای تحولات بنیادی برای جامعه تونس در آینده را آماده کند. جبهه ۱۴ ژانویه اولین متینگ علنی خود را در روز شنبه ۱۲ فوریه در کاخ کنگره تونس برگزار کرد. موفقیت بزرگی بود - به مراتب بزرگ تر از انتظار ما. حاصل بسیجی در سه یا چهار روز. بیش از ۸۰۰۰ نفر مجتمع شدند، خیلی‌ها نتوانستند وارد سالن شوند. ازدحامی که تا به حال دیده نشده بود.

س - روز ۱۱ فوریه، یک کمیته خیلی وسیع تر نیز تأسیس شد.

ج - بله، نشست در دفتر شورای ملی وکلای دعاوی از نمایندگان ۲۸ سازمان. تقریباً همه مخالفان بن علی - منهای دو حزب که با دولت غنوشی همکاری می‌کنند. از ۱۰ سازمان جبهه ۱۴ ژانویه، یعنی مرکز سندیکای واحد، حزب اسلامی انادها، انجمن‌های وکلای دعاوی، نویسندگان، روزنامه نگاران، اتحادیه دانشجویان تونس و سایرین. همگی با پیشنهادهای مربوط به ایجاد یک «شورای ملی برای حفاظت از انقلاب» موافقت دارند. پلاتفرم شان به پای پلاتفرم جبهه ۱۴ ژانویه نمی‌رسد، چون طالب انحلال دولت کنونی نیست. بعضی نیروها مثل سندیکای واحد، این دولت را قبول دارند. اما ۲۸ امضا کننده می‌خواهند که این «شورای ملی» یک قدرت تعیین کننده برای تمام قوانین و تدبیرها به منظور آماده کردن انتخابات جدید باشد، برای تضمین این که حقیقتاً دموکراتیک بوده و در آزادی کامل برگزار شود. آنها خواهان حق نظارت بر همه تصمیمات دولت و لزوم تأیید شورای ملی در گزینش همه کارگزاران بالا هستند. امضا کنندگان از همه مردم در تمام مناطق و محله‌ها خواسته‌اند که کمیته‌های حفاظت از انقلاب را درست کنند و سندیکای واحد هم همه دفاتر خود را برای انجام این کار در اختیارشان بگذارد. این کمیته‌ها در شورای ملی نماینده خواهند داشت.

س - پس شما در آنجا طبقات و اشرار مختلفی که مخالف دیکتاتوری بوده و هستند را جمع کرده‌اید. آیا این اقدام با خصلت این انقلاب که شما آن را ملی و دموکراتیک می‌دانید، تناسب دارد؟

ج - از زمان هانیبال (سردار کارتاژ، نیای باستانی تونس)، این سرزمین هرگز با دموکراسی آشنا نشد. نه دهقانان، نه مغازمداران، نه پیشه‌وران و تولید کنندگان خرد، نه استادان و یا معلمان. همه این مردم دموکراسی را می‌طلبند، دستجمعی و متحد با کارگران. باید هشیار باشیم. ما سعی می‌کنیم که خلق را بر محور یک رسالت واحد متحد کنیم: دیکتاتوری را از میان ببریم. سعی داریم از نفاق در میان نیروهای توده‌ای پرهیز کنیم، همان چیزی که ارتجاع می‌تواند از آن بهره برداری کند. توافق کردیم که با اسلامی‌ها و سایر نیروها برای تداوم وحدت خلق تونس بکوشیم و گرفتار جدال‌های گروهی نشویم. ولی این انقلاب ملی هم هست. مردم می‌دانند که نخبگان بورژوائی فاسد، دلال صفت، سرزمین ما را به سود بنگاه‌های خارجی غارت می‌کنند. این بنگاه‌ها بر آنند که تولیدات ارزان برای صدور به بازارهای خودشان به دست آورند، نه برای تأمین نیازهای جامعه تونس. دخالت قدرت‌های اروپائی و آمریکائی برای پشتیبانی از کمپانی‌های فراملیتی خودشان به هر قیمتی است. ما به یک برنامه احتیاج داریم تا کشورمان را به تناسب نیازهای خلق صنعتی کنیم. این است آن چیزی که مردم می‌خواهند. جبهه ۱۴ ژانویه خواهان بنای یک اقتصاد ملی در خدمت خلق است به طوری که بخش‌های حیاتی و استراتژیک آن تحت نظارت دولت باشد.

س - شما سخنگوی یک حزب کمونیست هستید. پس کجاست آن دورنمای سوسیالیستی در تونس؟

ج - یک انقلاب سوسیالیستی، امروز در دستور کار نیست. بله، به عنوان مارکسیست ما بر این باوریم که سرانجام بایستی به سوسیالیسم رسید. این یک ضرورت است، نباید فریب سرمایه‌داری جهانی را خورد که در دست مونوپل‌های آمریکائی و... است. این تنها راهی است برای پایان دادن به استثمار انسان از انسان. اما این طرز تلقی هنوز در اینجا مورد قبول همه نیست. ما نمی‌توانیم خیلی تند برویم. باید تناسب قوای سیاسی را در نظر داشته باشیم. طبقه کارگر به لحاظ آگاهی و سازماندهی عقب مانده است. جنبش کمونیستی در کشور ما به رغم پیشرفت زیاد هنوز خیلی ضعیف است. سایر طبقات هنوز خیلی از طریق اردوی لیبرال، اردوی اسلامی... ابراز وجود می‌کنند. پس نباید به خطا رفت.

با این انقلاب، حداقل نخستین شاخص‌های سوسیالیسم می‌توانند در سطح اقتصادی مستقر شوند. این است که ما با ملی کردن بنگاه‌های بزرگ به سود کارگران موافق هستیم. استقلال ما این طور ایجاد می‌کند. ما ملی نمی‌کنیم که بورژوازی دولتی از آن بهره مند گردد... طبقه کارگر باید این بنگاه‌ها را به شیوه دموکراتیک اداره کند. اما این طرح برای همه بخش‌های اقتصاد معتبر نیست. ما نمی‌خواهیم مغازمداران، پیشه‌وران، کارفرمایان خرد در بسیاری از کارگاه‌ها را به وحشت اندازیم که در کشور ما زیاندند.

نمی‌خواهیم اینها را علیه انقلاب بشورانیم. ابتدا باید فکری به حال دهقانان کرد. روستائی در کشور ما خیلی متنوع است. سازمان یافته نیست. به لحاظ آگاهی خیلی عقب ماندگی دارد. بعضی مناطق پیشرفته ترند، آنجا که کارگران کشاورزی حضور دارند. که در مواردی به دهقانان فقیر تبدیل شده‌اند. اینها خودشان در خواهند یافت که اشتراکی کردن کشاورزی در روستاها گریزگاهی مثبت است. ولی مناطقی نیز وجود دارند که دهقانان از ده‌ها سال پیش خواهان زمینی هستند که سرمایه‌داران بزرگ از آنها گرفته‌اند. اما لااقل بر روی همین زمین‌ها کار می‌کنند. سخن گفتن از اشتراکی کردن، آنان را فوراً به یاد غارت زمین‌هایشان در ۶۰ سال گذشته می‌اندازد. به نظر ما گذار به سوسیالیسم می‌تواند به صورت تدریجی و فراهم شدن زمینه‌های متنوع متحقق شود. فعلاً باید برای تداوم وحدت عظیم خلق کوشید تا آنها با تجربه خویش به سودمند بودن و ضرورت استقرار سوسیالیسم پی ببرند. یک راه واحد وجود ندارد. اما هدف واحد وجود دارد، سوسیالیسم

آدرس وبسایت حزب کمونیست کارگران تونس

<http://www.albadil.org/>

ترجمه و تکثیر از حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org

toufan@toufan.org

جنایت جمهوری اسلامی در زندان قزل حصار

طبق اخبار رسیده از زندان قزل حصار کرج، در شامگاه سه شنبه بیست و چهار اسفند ماه، بندهای ۲ و ۳ این زندان در اعتراض به اجرای حکم اعدام ۱۰ تن از زندانیان دست به مبارزه و اعتصاب گسترده زدند که در اثر یورش نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بیش از ۱۵۰ نفر مجروح و قریب به ۸۰ تن کشته شدند. این خبر فاجعه بار فوراً در سراسر جهان منعکس گردید و از سوی بسیاری از نهادها و مجامع حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل نیز محکوم شد. هم اکنون فضای زندان قزل حصار با مستقر شدن گارد ضد شورش به شدت امنیتی است و خانواده‌های زندانیان به خاطر قطع ارتباط با داخل زندان و اعتراض به این فاجعه در بیرون از زندان تجمع کرده‌اند.

خبرگزاری دولتی فارس در گزارشی ضمن پرداختن به این موضوع، مدعی شده است که "زندانیان معترض قصد فرار از زندان را داشته و به تخریب برخی تأسیسات، شکستن شیشه‌ها و ضرب و شتم زندانبانان مبادرت نموده بودند و چند نفر هم در اثر جراحت وارده و گازگرفتگی ناشی از "دود و آتش جان باختند" مقامات دولتی جمهوری اسلامی که در دروغ‌گویی از گوبلز هم پیشی گرفته اند ادعا کردند که "اغتشاش توسط تعدادی از زندانیان محکوم به اعدام و متخلفین جرائم مربوط به حمل و فروش مواد مخدر که با آتش زدن محوطه و دیگر اقدامات خرابکارانه از جمله حمله به نگهبانان زندان، جهت فرار از زندان را داشتند، شروع شد" اما واقعیت برخلاف دروغ پراکنی جمهوری اسلامی است و در همین رابطه گروه‌های فعال حقوق بشر در گزارش به سازمان عفو بین‌الملل اعلام کردند "که زندانیان در اعتراض به شرایط بد زندان و اقدام مسئولین در انتقال تعدادی از زندانیان برای اجرای حکم اعدام دست به اعتراض زدند".

رژیم جمهوری اسلامی در طول حکومت ننگین‌اش بارها نشان داده است که وی زندانیان را به عنوان گروگان خود می‌نگرد و هر وقت اراده کرد می‌تواند آنها را سربزه نیست کند. مقامات جمهوری اسلامی زبانی جز شکنجه و اعدام برای زندانیان نمی‌شناسند و هیچ حق و حقوقی برای آنهاست که در اثر آسیب‌های اجتماعی به زندان افتادند و یا به خاطر مخالفت با رژیم و فعالیت سیاسی گرفتار آمدند، به رسمیت نمی‌شناسد. اعدام‌های نفرت انگیز و مشمنز کننده و ضد انسانی در ملاء عام که هر روز در ایران جریان دارد بر کسی پنهان نیست. رژیم جمهوری اسلامی حق حیات و زیستن را از مردم سلب کرده، پیامی جز مرگ و نکبت ندارد.

حزب ما این عمل ضد انسانی جمهوری اسلامی را قویاً محکوم می‌کند و خواهان ارسال یک نهاد مستقل بین‌المللی برای بازرسی و تحقیق در مورد فاجعه زندان قزل حصار می‌باشد.

حزب ما از احزاب برادر و سازمان‌های بین‌المللی و همه نیروهای ترقی خواه می‌خواهد که به هر طریق ممکن اعمال و حشیانه جمهوری اسلامی را محکوم و به کشتار و اعدام زندانیان در ایران اعتراض نمایند.

ننگ و نفرت بر رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی!

آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

چهارشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۸۹

شعری از یک رفیق مبارز افغانی

آخر به پا خیزم

تقدیم به دختران دربند افغانستان

رحیمه توخی (۲۰۱۱/۳/۵)

من صدای غم‌انگیز دختر افغانم
 کردند به یأس مبدل آرزو و آرمانم
 عقدم بستند به جبر و زور به این مردک پیر
 اشک ریزانم چو شمع می سوزم سر و جانم
 این چهار دیوار خانه بر من گشته زندان
 سر را ز دریچه و در بیرون نتوانم
 روا داشته بر من این ظلم و ستم اسلام
 در نزد این درنده خو مانند حیوانم
 گر کنم نافرمانی می بُرد بینی و گوشم
 تهمت بندد بر من "عاشق یک جوانم"
 آماج سنگسار می گردم به حکم شرعیت
 زیر آوار و سنگ می پوسد استخوانم
 خرید و فروشم است بسان کالای بازار
 می خردم عرب‌ها با پول فراوانم
 هر لحظه عفتم است در خطر تجاوز
 این زندگی ننگین را دگر طاقت نتوانم
 با شرع زن ستیز تا پای جان ستیزم
 دست و پای زنان زین قید و بند رهانم
 اسم بی مسمی (عاجزه) گذاشتند بر من
 گویا در ثقلت کار من جنس ناتوانم
 ثابت گردید در جهان نیرو و توان زن
 در سفینه و کیهان همدوش مردانم
 چو چشمه سار جوشانم بحر خروشانم
 رعد و سیل و توفانم ترسید ز طغیانم
 آخر به پا خیزم با ظالمان ستیزم
 تا جمله هم جنسانم زین ورطه رهانم

اعلامیه در محکومیت بمباران مردم افغانستان توسط ناتو

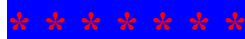
برگرفته از تارنمای www.afgazad.com آزاد افغانستان " ۶ مارچ ۲۰۱۱

حملات وحشیانه ناتو و قتل عام مردم ما

در ادامه حدود یک دهه جنایت، امپریالیسم جنایتکار آمریکا و شرکاء بار دیگر ظرف مدت یک ماه در ولایت کنر جنایتشان را به اوج تازه‌ای رسانیدند که جا دارد علاوه بر عاملان جنایت، مدافعان مزدور آن نیز ننگ و نفرین ابدی تاریخ را نثار نمود. چنانچه به تعقیب کشتار ۶۵ تن از هم‌میهنان ما در کنر، جنایتکاران حیوان صفت ناتو این بار ۹ تن از پسران کم سن و سالی را که مصروف هیزم چینی درکوه‌های کنر بودند، با پرتاب بمب قطعه قطعه کردند. بدون تردید که هرچه بیشتر انسان کشته می‌شود و هر چه بیشتر منازل

تخریب می‌گردد، به جنهد و سرور شرف باختگان و جراید و سایت‌های مدافع ایجاد مراکز دائمی امپریالیسم در افغانستان افزوده می‌شود. با تقرر پتروس و اعلام گیتس وزیر دفاع، که آمریکا نباید بار دیگر در خاک کشورهای آسیایی عسکر (لشکر-توفان) پیاده کند، امپریالیسم آمریکا و انسان کشان ناتو توجه خود را بر بمباران هوایی متمرکز ساخته‌اند. این عمل وحشیانه سبب می‌شود که هزاران تن نابود گردند و صدها خانه و ده‌ها قریه منهدم شود. دفاع از این وحشت ذریعه افراد خائن به میهن و سایت‌های ضد منافع ملی که خواستار استقرار نظامی آمریکا در افغانستان‌اند، چهره‌های زشت و ضدبشری وطن فروشان مسلکی را نمایان می‌سازد. پورتال ضد استعماری و ضد امپریالیستی "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" به داوم مواضع آزادیخواهانه و انسانی همیشگی خود بار دیگر قتل عام مردم بی دفاع کشور را توسط وحشیان ناتو محکوم نموده و به مرتکبان و مدافعان این جنایات صدها بار لعنت می‌فرستد.

جاوید باد افغانستان! سرنگون باد امپریالیسم و حامیانش! مرگ بر میهن فروشان و حامیان تجاوز امپریالیستی!



چند کلامی پیرامون آزادی و دموکراسی

آزادی از نگاه مارکسیسم - لنینیسم همان "ضرورت" است. این مطلب توسط اندیشمندان جنبش کمونیستی به کرات تأیید شده است. مارکس در ایدئولوژی آلمانی، انگلس در آنتی دورینگ، لنین در ماتریالیسم و امپریو کریتیسیم، پلخانف در آثار فلسفی دوران قبل از ارتدادش و... پس بررسی این مقوله را ما نیز در این نقطه آغاز می‌کنیم که نکته اصلی در مسئله آزادی، کشف ضرورت است. آزادی آن عمل ارادی صرف نیست (هر چند هر عمل ارادی نیز با جبر روابط و امکانات و... محدود می‌گردد) بلکه عملی است که از تسلط بر قوانین تکامل ناشی شده و مبتنی به شناخت الزامات طبیعت است اگر جز این بود انسان‌های اولیه که در غارها زندگی می‌کردند و آنجا که می‌خواستند، می‌خوردند و می‌خوابیدند و با هرکسی همبستر می‌شدند و خلاصه هر عملی را انجام می‌دادند، آزادترین انسان‌ها بوده و جوامع اولیه نیز بدین طریق آزادترین جوامع بشمار می‌آمدند. در حالی که حقیقتاً چنین نیست. انگلس می‌گوید:

«... انسان‌های اولیه که در حال تمایز از جهان حیوانات بودند ماهیتاً به اندازه حیوانات مقید بودند و هر قدمی به سوی تمدن، قدمی به جانب آزادی بود..»

پس روشن است که هر اقدام ارادی، آزادی نیست، نمی‌توان خارج از روند تکاملی تاریخ حرکت نمود و آنگاه آن را آزادی نامید.

«آزادی در استقلال تخیلی از قوانین طبیعت قرار ندارد، بلکه در شناخت از این قوانین و در امکانی است که آنها می‌دهند تا آنها را با برنامه و به منظور رسیدن به اهداف مشخص به کار گیریم.» (آنتی دورینگ)

بنابراین اگر شخصی و یا جریانی بدون اطلاع از این الزامات و قوانین آزادانه عملی انجام دهد و به قول انگلس: «از میان امکانات متفاوت و متناقض ظاهراً داوطلبانه یکی را بر می‌گزیند، درست عدم آزادی را اثبات کرده، مغلوب بودنش را در برابر پدیده‌ای که باید به آن غالب باشد می‌رساند.»

پس آزادی در رویای مستقل بودن از قوانین طبیعی و ضرورت‌های تاریخی نیست. از اینجا می‌توان آزادی فعالیت‌های سیاسی را نیز توضیح داد. از منظر مارکسیسم - لنینیسم دیکتاتوری پرولتاریا، دموکراسی برای اکثریت یعنی دموکراسی سوسیالیستی بیانگر حکومت طبقه کارگر و مبارزه برای پیروزی کامل و نهائی جامعه سوسیالیستی و کمونیستی هستند. در چنین نظامی مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان از میان برداشته شده و ابزار تولید اجتماعی می‌شود.

این اقدامات گام مهمی است در رشد دموکراسی، زیرا در جایی که مالکیت خصوصی و روابط ستمگرانه و استثمارگرانه حاکم باشد از آزادی و دموکراسی واقعی نمی‌توان سخن گفت. در حقیقت اگر دموکراسی را نخواهیم حکومت مردم بر مردم تعریف کنیم (که در حقیقت معنی دموکراسی این است) بلکه در اینجا مراد از دموکراسی برابری باشد، تا مادامی که شرایط مادی برابری وجود نداشته باشد هر گونه شکل حقوقی، ریا و تزویر است. مثلاً اگر بگوییم "آ و ب" آزادند که به آمریکا مسافرت کنند، تا مادامی که به حیطة عمل کاری نداریم این تنها شکل حقوقی قضیه است. این شکل آنجا بی محتوا و صرفاً حرف و دروغین خواهد بود که "آ" پول کافی

برای این سفر را در اختیار داشته باشد و عملاً قادر به مسافرت باشد و "ب" پول کافی مسافرت را نداشته باشد. پس در اینجا برابری عملاً معنایی ندارد. در حقیقت اگر به دنبال حرف‌های شیرین اما بی محتوا هستیم می توانیم به این نوع برابری‌ها قانع باشیم. اما اگر واقعاً به دنبال آزادی از قید استثمار و عاشق دموکراسی هستیم، باید خواهان الغای تمامی امتیازات طبقاتی و نابرابر باشیم. آنگاه دموکراسی تأمین خواهد شد و می توان از آزادی اکثریت جامعه از قید ستم سرمایه سخن گفت. برای برقراری دموکراسی، برای همه یک مرحله وجود دارد که مرحله تلاش برای لغو امتیازات نابرابر و یا مرحله تلاش برای تأمین دموکراسی برای همه، که در این مرحله از آنجا که خصوصیات ویژه‌ای دارد و ناچار آرزو را برای رفع نابرابری‌ها به کار می برد، دیکتاتوری پرولتاریا نام دارد. چرا که زندگی و تجربه انقلابات کارگری در کمون پاریس، شوروی و چین و نشان داده است که طبقات صاحب امتیاز از منافع خود با بحث و استدلال دست نمی کشند و آن را دو دستی پیشکش کسی نمی کنند. با رأی پارلمان، فرماندم، انقلاب مخملی و اقدامات رفرمیستی و نمی توان آنها را از سریر قدرت به زیر کشید. بنابراین ناچاراً - توجه به این کلمه اهمیت خاصی دارد - ناچاراً کارگران و زحمتکشان و تهی دستان جامعه به قوت اسلحه و به جبر، طبقه صاحب قدرت را بر می اندازند و از آنجا که در مقابل این جبر مقاومت وجود دارد و صاحبان زر و زور نیز به سادگی تسلیم نمی شوند و یا ارگان‌ها و تشکل‌های قدیمی و سنتی ورزیده‌ای که از مدتها پیش آنها را تعلیم داده‌اند در مقابل این جبر ایستادگی می کنند، جنگ با آنها و سرکوبشان برای جلوگیری از احیاء مجدد نظم گذشته ضروری است. این همان دیکتاتوری پرولتاریا یعنی حکومت اکثریت بر اقلیت و دموکراسی طبقاتی است که به نفع اکثریت زحمتکشان جامعه است. در اینجا روشنفکران لیبرال و آنها که "خواهان آزادی بی قید و شرط برای همه دستجات سیاسی هستند" شیون خواهند نمود که این دیکتاتوری است و این سرکوب است و دموکراسی ناب نیست، دموکراسی که آزادی برای حزب الله و شاه الله، لباس شخصی‌های آدمکش و شعبان بی مخ‌های چاقوکش یعنی دشمنان سوگند خورده آزادی را تأمین نماید، دموکراسی نیست، دیکتاتوریست و بس.....

گویا عده‌ای هنوز از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ و یا کودتای ۱۹۷۳ شیلی نیاموخته‌اند که علل شکست این جنبش‌ها همانا عدم سرکوب دشمنان مردم و عدم قاطعیت در مقابل نیروهای ارتجاعی بود. آیا زمان آن نرسیده است تا از این تجربه تلخ تاریخی بیاموزیم و این آموزه را به نسل جوان ایران منتقل کنیم؟

مارکسیسم - لنینیسم بر خلاف نظرات غیر طبقاتی، دولت را طبقاتی و تاریخی و ارگانی در دست یک طبقه علیه طبقه و یا طبقات دیگر ارزیابی می کند. در جامعه‌ای که مالکیت سرمایه‌داری وجود دارد، نمی توان از آزادی، استقلال و حاکمیت واقعی توده‌های رنج و کار سخن گفت. تقویت ارتجاع در همه زمینه‌ها که از ویژه گی واقعیت کنونی کشورهای سرمایه‌داریست، بی پایه بودن به اصطلاح دموکراسی "ناب" بورژوازی را نشان می دهد. و حتی آن حقوق ناچیزی که در اثر پیکار تاریخی و طبقاتی ستم‌یگان بر بورژوازی تحمیل شده و او برای زحمتکشان قائل است، کاملاً ناپایدار و نامطمئن هستند. زیرا بورژوازی هرگاه ببیند پایه‌های حکومتش به لرزه در آمده است، با متوسل شدن به قهر و خشونت، آزادی و حقوق زحمتکشان را زیر پا می نهد و دیکتاتوری از نوع فاشیستی بر قرار می سازد.

در دوران امپریالیسم که انحصارها بر اقتصاد جامعه فرمانروائی دارند ناگزیر در دنیای سیاسی نیز تغییراتی به وقوع می پیوندد و دموکراسی را به سوی ارتجاع سوق می دهد. برای محدود ساختن آزادی‌های مندرج در قانون اساسی، قوانین ارتجاعی جدید به تصویب می رسد، دولت پارلمانی به دولت نظامی پلیسی بوروکراتیک تبدیل می گردد، دستگاه دولتی بورژوائی، ارتش، پلیس، سازمان‌های جاسوسی به عبارت دیگر تمام ارگان‌های لازم برای نظارت عقاید و اعمال افراد جامعه و سرکوب مقاومت آنها، دامنه وسیعی به خود می گیرد و تقویت می شود. در دوران امپریالیسم، دموکراسی بورژوائی که زمانی برای تسلط بورژوازی کافی بود به مانعی در راه تحقق سلطه بورژوازی تبدیل می گردد، بورژوازی دیگر نمی تواند مانند سابق به شیوه‌های پارلمانی و دموکراتیک حکومت کند. این است که چارچوب قوانینی را که خود وضع کرده می شکند و به توده زحمتکشان دندان نشان می دهد. آیا اکنون تهاجم بورژوازی جهانی چه اروپائی و یا آمریکائی و به دستاوردها و حقوق دموکراتیک مردم و تصویب قوانین ارتجاعی که هر روز اوضاع را بر مردم تنگ تر می کند، برملا کننده ماهیت تساوی صوری افراد در برابر قانون و عدم تساوی واقعی آنها نیست؟

در حقیقت مارکسیسم - لنینیسم که علم رهائی پرولتاریا و همه زحمتکشان است بیش از هر نظریه و ایدئولوژی دیگری به دموکراسی پایبند است و بی پرده عنوان می کند که برای دموکراسی واقعی باید شرایط مادی آن را فراهم کرد، از این رو بدو یکسان کردن شرایط مادی را هدف قرار می دهد. استدلال مارکسیسم - لنینیسم این است که ابتدا همه افراد برابر شوند یعنی امکانات برابر پیدا کنند. آنگاه همه آزادند هر طور دلشان می خواهد عمل کنند.

بنا بر این امتیازات باید از بین برود و وقتی که طبقه جدید صاحب قدرت دست به اقدام می زند صاحبان امتیازات، آنهایی که از این امتیازات بهره برداری می کردند، مقاومت می کنند. در اینجا پرولتاریا مجبور است که این مقاومت را برای مصالح آزادی واقعی درهم بشکند. ای کاش سرمایه‌داری و طبقات صاحب قدرت مقاومت نمی کردند و دو دستی از همه امکاناتشان دست می کشیدند و رویاها و آرزوهای روشنفکران لیبرال متحقق می شد و به این همه بحث و جدل نیازی نمی بود.

لیکن الفاظ کلی درباره آزادی سیاسی و آزادی بی قید و شرط، برابری و دموکراسی عملاً برابرند با تکرار کورکورانه مفاهیمی که کپیبه مناسبات تولید کالائی هستند. حل وظایف مشخص دیکتاتوری پرولتاریا و یا دموکراسی برای اکثریت جامعه به کمک این الفاظ کلی معنایش پیوستن به موضع تئوریک و اصولی بورژوازی در کلیه جهات است.

از نقطه نظر مارکسیسم - لنینیسم مسئله فقط به این شکل مطرح است: آزادی از قید ستمگری چه طبقه‌ای؟ برابری چه طبقه‌ای با چه طبقه‌ای؟ دموکراسی بر اساس مالکیت خصوصی یا بر پایه مبارزه در راه حاکمیت طبقه کارگر یعنی حکومت سوسیالیستی برای تأمین دموکراسی واقعی برای محو خونریزی‌های طبقاتی که در شرایط وجود طبقات این برخوردها اجتناب ناپذیر است. برای جلوگیری از قتل عام توده زحمتکشان چاره‌ای جز محو طبقات و حتی محو پرولتاریا و محو دیکتاتوری و دولت آن نیست. برای رسیدن به این بهشت موعود، که سر آغاز تاریخ واقعی بشر خواهد بود، چاره‌ای جز پیکار بی امان بر علیه بورژوازی باقی

نمی ماند. این پیکار مشروع و عادلانه است زیرا دفاع از اکثریت شهروندان زحمتکش جامعه را هدف کار خود قرار داده است و از این رو ماهیت این اعمال زور با ماهیت اعمال زور اقلیت دستگاه حاکمه سرمایه‌داری که بر استثمار اکثریت مردم استوار است از بیخ و بن تفاوت دارد. اگر تعریف از آزادی را از ماهیت طبقاتی دولت جدا نمائیم و به کلی گوئی پردازیم نه تنها گره‌ای از این کلاف را نخواهیم گشود بلکه آگاهانه و یا ناآگاهانه، خواسته و یا ناخواسته در دام تبلیغات دروغین سرمایه‌داری و امپریالیسم که این روزها گوش فلک را کر کرده است گرفتار خواهیم آمد و جز تقویت اغتشاش افکار و منحرف کردن مسیر مبارزه مردم حاصلی نخواهد داشت و طبیعتاً چنین امری براننده هیچ شخصیت و نیروی انقلابی و کمونیست که برای زحمتکشان جامعه دل می‌سوزاند نیست و نخواهد بود. یک نکته قابل توجه این است که نقد و انتقاد ما به آزادی و دموکراسی بورژوائی به معنی نفی آن نمی‌باشد بلکه تکامل آن به دموکراسی پرولتری است که این جز انقلاب سوسیالیستی امکان پذیر نیست. این صحیح است که ماهیت همه دولت‌های سرمایه‌داری، دیکتاتوری است اما پرولتاریا بین دیکتاتوری پنهان، دموکراسی بورژوائی و دیکتاتوری عریان یعنی دیکتاتوری فاشیستی تفاوت قائل است و فرق می‌گذارد. لنین در همین رابطه در پاسخ به آنارشیست‌ها که به شکل انقیاد توجه نمی‌کردند به درستی چنین پاسخ داد:

« اگر انگلس می‌گوید که دولت به عنوان ماشین ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر در جمهوری دموکراتیک هم از زمان سلطنت "دست کم ندارد"، معنی‌اش آن طور که برخی از آنارشیست‌ها موعظه می‌کنند به هیچ وجه این نیست که چگونگی شکل این ستمگری برای پرولتاریا فرقی نخواهد داشت. آن شکل از مبارزه طبقاتی و انقیاد طبقاتی که گسترده تر، آزادتر و آشکارتر است کار پرولتاریا را در مبارزه برای نابود ساختن طبقات به طور کلی به انتها درجه تسهیل می‌کند. » (لنین - دولت و انقلاب).

حقوق دموکراتیک در ممالک امپریالیستی غرب محصول صدها سال مبارزه طبقاتی و کارگری است. محصول انقلاب کبیر بورژوائی فرانسه و تأثیرات انقلاب کبیر اکتبر شوروی است. ارتجاع حاکم در این کشورها نمی‌تواند به یکباره این دستاوردها را حذف کند و وضعی مانند ایران به وجود آورد و یا دیکتاتوری فاشیستی نوع هیتلر و موسولینی را برقرار نماید. به نظر ما این تفاوت را باید در برخورد به این دولت‌ها در نظر گرفت و بر این اساس تاکتیک‌های مناسب را برای سازماندهی کارگران اتخاذ کرد. طبیعتاً دستاوردهای دموکراتیک یک بار برای همیشه نیست باید برای حفظ آن مبارزه کرد و این دولت‌ها را تحت فشار قرار داد. در غیر این صورت به نهیلیسم و ماجراجویی و پاسیویسم در خواهیم غلتید و منفرد خواهیم شد.

* * * * *

تقویم تاریخ:

۱۴۰ سال از کمون پاریس گذشت



۱۸ مارس ۱۸۷۱، پرولتاریای پاریس قدرت سیاسی را به دست گرفت و بیش از دو ماه جامعه‌ای را که تا آن تاریخ با دست اقلیت استثمارگر و به سود اقلیت استثمارگر می‌گشت به جامعه‌ای تبدیل کرد که در آن اکثریت محروم و زحمتکش حاکم بر سرنوشت خویش گردید.

بورژوازی پس از آن که فنودالیسم را برانداخت و بر جای وی نشست این افسانه را به پیش کشید که جامعه سرمایه‌داری جاودانی است. ۱۸ مارس ۱۸۷۱، بر این افسانه قلم بطلان کشید.

کمون پاریس ناقوس مرگ بورژوازی بود، ناقوس مرگ کلیه عناصری بود که به طفیلی کار و زحمت توده‌ها زندگی شکوهمند و مجلی را می‌گذرانند. ۱۸ مارس ۱۸۷۱، برای نخستین بار صلاهی دنیای نوینی را سر داد، دنیای کمونیسم، دنیایی که در آن نه از استثمار اثری بر جای می‌ماند و نه از بردگی، دنیایی که دزدی، فحشا و بیکاری و فقر و نکبت و... از آن رخت بر می‌بندد، دنیایی که برای بشریت آزادی واقعی به ارمغان می‌آورد.

کمون با تکیه بر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پاریس یک رشته قوانین وضع نمود که همه دارای خصلت طبقاتی بود: الغاء قروض ناشی از اجاره مسکن، الغاء جریمه کارگران توسط کارفرما و الغاء کارشانه برای نانوایان، برقراری آموزش مجانی و... ظرف چندین روز کمون پاریس چهره دنیای سرمایه‌داری را تغییر داد و دنیای نوئی آفرید.

در پاریس دیگر از دزدی، جنایت و فحشا اثری نماند، بورژوازی، این آفریدگان خود را همراه خود به ورسای برد، زندگی در پاریس به مراتب آسان تر و ارزان تر از دوران تسلط بورژوازی گردید.

دولت ورسای در تمام مدتی که کمون برقرار بود حتی یک لحظه هم از هجوم و حمله به پاریس و کشتار مردم باز نایستاد. طبقه کارگر پاریس از زن و مرد با شجاعت و فداکاری بی نظیر از دستاوردهای کمون در برابر حملات ورسای دفاع کردند. اشتباه کمون درست در همین بود که در قبال دولت ورسای روش دفاعی در پیش گرفت. دولت بورژوازی پس از ناکامی ۱۸ مارس چندان نیروئی در اختیار نداشت. شهرستان‌ها از اعلام جمهوری و کمون پاریس پشتیبانی می‌کردند. کمون آن چنان نیروئی بود که می‌توانست این دولت را تارومار کند و رژیم کمون را در سراسر کشور برقرار سازد.

از زمان اعلام کمون ۲۸ مارس تا موقع سقوط آن ۲۸ مه، دولت ورسای با تبنانی با بیسمارک صدراعظم آلمان که ارتش وی پاریس را در محاصره داشت به تدریج به جمع آوری نیرو پرداخت. بیسمارک موافقت کرد که آن سپاهیان فرانسه که در اسارت وی بودند تحت اختیار ورسای درآیند.

در نخستین روزهای آوریل سپاهیان دولت ورسای یورش خود را به پاریس آغازیدند و در ۲۱ مه با کمک ارتش آلمان توانستند به درون پاریس رخنه کنند. پس از هشت روز مبارزه آخرین مبارزان فداکار و غیور پاریس بر خاک هلاک افتادند و آنگاه "هفته خونین" آغازگردید که طی آن قریب به یکصد هزار تن از اهالی پاریس از زن و مرد و کودک به قتل رسیدند. عده‌ای به زندان رفتند و عده‌ای به نقاط دوردست تبعید شدند، بورژوازی با بیرحمی تمام انتقام خود را از پرولتاریا گرفت، پرولتاریائی که جرئت کرده بود به دفاع از حقوق و آرمان‌های طبقه خویش برخیزد.

مارکس و انگلس از تجربه کمون پاریس تجربه نخستین دیکتاتوری پرولتاریا، روش طبقه کارگر را در قبال دولت بورژوائی تعیین کردند:

« طبقه کارگر نمی‌تواند به دست گرفتن ماشین دولتی که کاملاً آماده است قناعت ورزد و آن را برای انجام مقاصد خویش به کار اندازد.»
ولنین می‌افزاید:

« ایده مارکس این است که طبقه کارگر باید ماشین بوروکراتیک و نظامی را درهم بشکند و منهدم سازد.»

این است درسی که سوسیالیسم علمی از تجربه کمون پاریس به دست آورد. بورژوازی فرانسه تحت رهبری تی‌یر بعد از درهم شکستن کمون نعره سرداد: " سوسیالیسم مُرد". لیکن پرولتاریای قهرمان روسیه با آموزش از کمون بعد از پنجاه سال بورژوازی را بر زمین کوبید و انقلاب کبیر اکتبر را با پرچم لنینیسم پیروزگرداند. سقوط دژهای سوسیالیستی اکتبر شوروی و چین و سایر کشورهای سوسیالیستی و عربده‌کشی‌های جانشینان تی‌یر مبنی بر "پایان عصر انقلابات"، "مرگ سوسیالیسم" و جاودانی قلمداد کردن نظام "آزاد سرمایه‌داری" افسانه‌ای بیش نیست و پرولتاریا با درس آموزی از شکست‌های موقتی تحت رهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی مجدداً خیز خواهد برداشت و بورژوازی را بر زمین خواهد کوبید. انقلابات نیرومند سوسیالیستی آینده بر افسانه‌سرائی‌های دنیای "آزاد" سرمایه‌داری امپریالیستی قلم بطلان خواهد کشید. جز این نیز نخواهد بود.

"پاریس کارگران و کمون آن را همیشه به مثابه طلایه پر افتخار جامعه نوین جشن خواهند گرفت، شهیدان آن در قلب پرفتوت طبقه کارگر جاودان باقی خواهند ماند، دژخیمان آن را تاریخ از هم اکنون آن چنان بدنام و انگشت نما کرده که دعای کشیشان هم نخواهد توانست آنها را برهاند" (مارکس)

زنده و جاوید باد کمون پاریس!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم این پرچم رهائی بشریت!

پیام تبریک علی نجاتی برای سال جدید

کارگران و مردم عزیز!

با درود و شادباش، آغاز سال ۱۳۹۰ خورشیدی را به تمام شما کارگران و مردم عزیز در هر جای جهان که هستید تبریک می گویم. با پایان گرفتن زمستان و به اتمام رسیدن سال ۸۹ به استقبال نوروز می رویم، یعنی آغاز شکفته شدن شکوفه های بهاری. امیدوارم که در این سال، دیگر هم چون سال های قبل شاهد اخراج و زندانی شدن کارگران - این ثروت آفرینان بی ثروت - نباشیم، کارگرانی که فقط به خاطر دفاع از یکی از خواسته های خود یعنی خواسته ها و مطالبات صنفی خویش و دیگر هم طبقه های ایشان محکوم به اخراج و زندان های طولانی مدت شده اند.

امیدوارم که با آغاز سال ۹۰ دیگر شاهد بیکار شدن کارگران و عقب افتادن دستمزدهای آنان نباشیم؛ اگر چه کارگران به خوبی می دانند که ما حتی در صورت دریافت دستمزد، همیشه با مشکلات عدیده معیشتی روبرو هستیم. چرا که این دستمزدها به هیچ عنوان کفاف هزینه های بالا و کمر شکن زندگی را نمی دهد.

دوستان کارگر! می خواهم در این روزهای پایانی سال از طرف خودم و دیگر دوستان و همکارانم در نیشکر هفت تپه ضمن ابراز تأسف و تسلیت به خانواده های کارگران جانباخته در ایران خودرو و کارگران معدن در استان کرمان سال جدید را به آنان نیز تبریک گفته و برای خانواده های این کارگران شریف و جانباخته سالی با موفقیت و سرسلامتی را آرزو کنم. یادشان همیشه گرامی باد. امیدوارم در سال جدید دیگر شاهد این گونه حوادث دلخراش و تأسف برانگیز برای کارگران نباشیم.

کارگران عزیز! سال نو بر همگی شما کارگران و هم طبقه های عزیزم، گرامی باد!
عیدتان مبارک باشد؛ هر روزتان نوروز و نوروزتان پیروز!

علی نجاتی - کارگر اخراجی نیشکر هفت تپه
28 اسفند ۱۳۸۹ - خوزستان - شوش

* * * * *

پیام تبریک سندیکای کارگران شرکت واحد



فرارسیدن سال نو بر تمامی کارگران و زحمتمکشان از جمله زندانیان قشر کارگر و خانواده آنان مبارک باد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار آزادی همه زندانیان عرصه کار و تلاش می باشد و بیکاری کارگران را به خاطر فعالیت های سندیکائی و اعتراضات صنفی غیر قانونی دانسته فرارسیدن سال نو بر تمامی کارگران و زحمتمکشان از جمله زندانیان قشر کارگر و خانواده آنان مبارک باد.

سال ۱۳۸۴ نقطه عطفی در اعتراضات صنفی کارگران و احیای تنها سندیکای مستقل کارگری (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) بود، خاطره ای که هیچگاه از ذهن کارگران پاک نخواهد شد و سال ۱۳۸۹ در حالی به پایان خود نزدیک می شود که تعدادی از کارگران زحمتمکش این سندیکا در زندان و تعدادی محروم از نعمت کار شده اند. سندیکای کارگران شرکت واحد از دستگاه قضائی می خواهد راه را برای آزادی هر چه سریع تر فعالین کارگری و بازگشت به کار کارگران هموار نماید تا در شب های سال نو کارگران در کنار خانواده های خود باشند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار آزادی همه زندانیان عرصه کار و تلاش می باشد و بیکاری کارگران را به خاطر فعالیت های سندیکائی و اعتراضات صنفی غیر قانونی دانسته و آن را محکوم می نماید و خواستار آزادی زندانیان در بند، آقایان ابراهیم مددی، منصور اسالو رضا شهابی و غلامرضا غلامحسینی می باشد. به امید آزادی همه کارگران و ایجاد تشکل های مستقل کارگری

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
اسفند ۱۳۸۹

حزب عالی ترین شکل تشکیلات طبقاتی پرولتاریا است (لنین)

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز

اعتصاب موفقیت آمیز ۱۸۰۰ کارگر پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز که از هفتم اسفند ماه برای بهبود شرایط کاری آغاز شده بود پس از یازده روز با موفقیت پایان یافت. یکی از کارگران در مصاحبه با رادیو فردا چنین گفت:

"کارگرانی که در این مجتمع شاغلند، بین ۱۵ تا ۱۷ سال سابقه کار دارند که پا به پای نیروهای رسمی کار کرده‌اند و از آنان مانند همین نیروها کار کشیده شده است. درخواست‌های ۱۸۰۰ کارگر پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز در وضعیتی مطرح شده است که آنان در شرایط دشواری کار می‌کنند.

وی هم چنین با انتقاد از این که کارگران پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز حقوق و مزایای مساوی با نیروهای رسمی را دریافت نمی‌کنند، اضافه می‌کند: یک کارگر پیمانی دستمزدی در حدود ۴۰۰ هزار تومان در ماه دریافت می‌کند که این مبلغ در صورت پرداخت اضافه کاری به او به حدود ۵۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد و این در حالیست که شرایط کار این کارگران بسیار سخت است و به طور مداوم با مواد شیمیایی کار می‌کنند."

وزارت کار و امور اجتماعی و مقامات استانداران آذربایجان شرقی سه ماه از کارگران فرصت خواسته‌اند تا در مورد تحقق مطالباتشان اقدام نمایند. مجتمع پتروشیمی تبریز که یکی از صد شرکت برتر ایران در سال مالی ۱۳۸۸ است در سال گذشته محصولاتی به ارزش ۶۴ میلیون دلار به ۲۳ کشور جهان صادر نموده است.

پیروزی کارگران پتروشیمی در این مبارزه مشخص صنفی مبین آن است که هرگاه کارگران با قاطعیت، یکپارچه و مصمم پا به میدان می‌گذارند برگ برنده را در دست خواهند داشت و سرانجام اراده خود را بر کارفرمایان تحمیل خواهند کرد. کارگران مجتمع پتروشیمی پس از یازده روز به اعتصاب خود پایان دادند. نتیجه اقتصادی اعتصاب کارگران پتروشیمی هرچه باشد از لحاظ سیاسی برای رشد آگاهی و تشکل کارگران - نه فقط کارگران - بلکه همه مردم ایران نتایج بزرگ به بار خواهد آورد. همان طور که مارکس می‌گوید "پرولتاریا بیش از نان به همت خویش، به اعتماد بر نفس خویش، به سربلندی و استقلال فکری خویش، نیازمند است" و این خصوصیات، طبقه کارگر را به مبارزات قاطع تر و پیروزی‌های عظیم تر رهنمون خواهد کرد. رشد جنبش کارگری که ما در طول سال‌های اخیر شاهد آنیم نیروی بی سابقه‌ای به مبارزات مردم بر ضد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید و رهبری ظفر بخش آنها را تأمین خواهد کرد. رمز موفقیت کارگران وحدت و تشکیلات است. کارگران تنها با اتحاد و تشکیلات و سرانجام تحت رهبری حزب مارکسیستی لنینیستی است که می‌توانند سرمایه‌داری را به زیر کشند و خود به صاحبان واقعی جامعه تبدیل شوند. هر پیروزی ولو کوچک گام مهمی برای دست یافتن به پیروزی‌های بزرگ تر است.

زنده باد وحدت همه کارگران علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد کارگران قهرمان پتروشیمی

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

توفان شماره ۱۳۳ فروردین ماه ۱۳۹۰ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

[پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:](#)

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین‌المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.rahe.toufan.org](http://www.rahe.toufan.org)

[/http://www.kargareagah.blogspot.com](http://www.kargareagah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و توئیتر دیدن کنید.

پیروز باد انقلاب خلقهای عرب علیه ارتجاع و امپریالیسم!